

صبح روز ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۷ از مرکز توسعه شبکه شهرستان میرجاوه با ما تماس گرفتند و گفتند که به عنوان بهورز نمونه فردا به همراه دو نفر از بهورزان شهرستان عازم چابهار شویم. صبح یازدهم اسفند ساعت ۵ صبح عازم شهر زاهدان شدیم تا از آنجا به همراه سایر همکاران (بهورزان و مربیان مرکز آموزش بهورزی، خانم سوداگر رابط فصلنامه بهورز و مسؤول آموزش بهورزی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان) از محل معاونت بهداشتی به سمت ترمینال زاهدان حرکت کردیم تا به سایر همکاران ملحق شویم.

حدود ۱۰ صبح سوار بر اتوبوس در مسیر جاده زاهدان به خاش حرکت کردیم. در مسیر هوا بسیار دل انگیز بود و به علت باران شب قبل گودال‌های اطراف پر از آب بود و رودخانه‌های محلی بعد از چندین سال جاری و ساری بود. اولین توقف در محل روستای کهنوک خاش برای استراحت و نماز ظهر بود. بعد از نماز به سمت خاش حرکت کردیم و در همین حین از کنار آتشفشان نیمه فعال و پوشیده از برف تفتان گذشته تا به شهر خاش رسیدیم و سایر همکاران که از شهرستان‌های سیب و سوران و سراوان به شهرستان خاش آمده بودند به ما ملحق شده و سفر را در مسیر ایرانشهر ادامه دادیم. مسیر پر پیچ و خم جاده خاش به ایرانشهر با گرمی و صمیمیت همکاران دقایقی بیش نگذشت تا برای صرف ناهار به رستوران سنتی نخلستان ایرانشهر رسیدیم و بعد از ناهار و استراحتی کوتاه دوباره در مسیر جاده ایرانشهر کمربندی بمپور به راه خود در مسیر ایرانشهر به نیکشهر ادامه داده بعد از گذشتن از شهر ایرانشهر به سه راهی بمپور رسیدیم که در این محل نیز نیروگاه بخار ایرانشهر که برق منطقه را تامین می‌کند نمایان است. مسیر را ادامه داده و بعد از گذشتن از روستاهای مسیر به روستای تنگه سرچه رسیدیم.

با توجه به بارندگی اخیر کوه‌های اطراف جاده ریزش کرده و باعث مسدود شدن مسیر شده بود که در همین حین همکاران از اتوبوس پیاده شده و نسبت به بازگشایی راه اقدام کرده و با راهداری تماس گرفتند تا نسبت به بازگشایی کامل مسیر اقدام کنند. بعد از بازگشایی مسیر نماز مغرب در همان محل اقامه شده و به سمت چابهار حرکت کردیم و نزدیک به ساعت ۱۰ شب به چابهار رسیدیم. در محل پانسیون



خاطرات اردوی تفریحی
بهورزان نمونه به چابهار

سفرنامه یک بهورز

عبدالشکور ارباب زهی بهورزخانه بهداشت
انجیره میرجاوه دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
سعید شه‌بخش بهورزخانه بهداشت شوروشادی
دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

به این موضوع امتیاز دهید (۱ تا ۱۰۰)
کد موضوع ۱۰۱۳۲
پیامک ۳۰۰۰۷۲۷۳۱۰۰۱
نحوه امتیازدهی: امتیاز- شماره مقاله
مثال: اگر امتیاز شما ۸۰ باشد (۸۰-۱۰۱۳۲)

شبکه بهداشت و درمان چابهار برای اقامت همکاران محلی بسیار سرسبز و تمیز در نظر گرفته شده بود. بعد از اقامتی کوتاه در محل پانسیون برای صرف شام به رستوران نمونه چابهار رفتیم.

صبح روز بعد آماده سفر به منطقه مرزی در گوآتر شدند که توسط دو دستگاه ون اجاره ای به سمت منطقه حرکت کردیم و با گذشتن از روستاهای مسیر شامل رمین، بریس، پسابند و بندر گوآتر به دریاچه لیپار رسیدیم، لیپار یا دریاچه صورتی، به خاطر جلبک‌های خاصی که دارد با نور خورشید غلظت رنگ صورتی آن کم و زیاد می‌شود. لیپار با تمام زیبایی‌های خاص خود غم بزرگی داشت. در این محل دستفروشان کم بضاعتی از دختران و زنان محلی بودند که صنایع دستی مثل روسری و دستبند و نمک دریا می‌فروختند و نوزادان و کودکان نیز به اجبار همراهشان بودند.

از همکاران خواسته شد به خاطر حمایت از این دستفروشان اگر شده حداقل خریدی از این قشر زحمتکش بکنند. بعد از نیم ساعت ایستادن در محل دریاچه لیپار به سمت گوآتر حرکت کرده تا رسیدیم به کوه‌های مریخی. در یک طرف مان دریا و طرف دیگر مان کوه‌های مریخی با ظاهر عجیب دیده می‌شدند. زیبایی این کوه‌ها به حدی بود که برای دیدن همه آن باید مدت‌ها وقت صرف کرد. بدرستی که این منطقه به سطح زمین شبیه نیست و انگار که کوه‌ها با دقت و با دست تراشیده شده‌اند. در همین نزدیکی کپه‌های محلی ساخته شده بود که به اتفاق همکاران استراحت مختصری در آن‌ها کرده و در هوای بهاری - زمستانی و دل انگیز آن چای نوشیدیم. بعد از سوار شدن به ماشین‌ها از کنار بندر مرتفع صیادی بریس گذشتیم و به مزرعه پرورش میگوی چابهار در بندر گوآتر رسیدیم.

برای دیدن جنگل‌های حرا که در نزدیک بین مرز ایران و پاکستان قرار داشت باید سوار قایق می‌شدیم. در این جنگل پوشش گیاهی جالب، خرچنگ‌های رنگی و ماهی گل خورک را دیدیم و روی سطح آب هر از گاهی دلفین‌ها خودنمایی می‌کردند. بعد از گشت و گذار در جنگل‌های حرا به سمت ساحل گوآتر آمده تا سوار بر ون‌ها به سمت چابهار حرکت کنیم. ساعت حدود ۳ بعد

از ظهر روز ۱۲ اسفند به محل روستای پسابند در یک خانه محلی به صرف ناهار دعوت شدیم که غذای محلی (استانبولی پلو) به همراه ماهی و ترشی انبه محلی بود. بعد از صرف ناهار و نماز به سمت چابهار در محل ساحل صخره ای بریس توقف کردیم.

تماشای منظره دریا و قایق‌های بی شمار آن از بالای صخره‌های بریس بسیار لذتبخش بود. اسکله ماهیگیری و ساحل بریس از آن ارتفاع بسیار زیبا بود و سمت دیگر هم دریای مواج و آبی رنگ دلربایی می‌کرد. بعد از ترک صخره‌های ساحلی بریس به سمت چابهار حرکت کرده و شب هنگام به محل اقامت همکاران رسیده بعد از کمی استراحت و خواب و قبل از رفتن به سمت رستوران برای شام بعضی از همکاران به سمت بلوک بازار محلی رفته که در این محل غذاهای محلی، سوزن‌دوزی‌های محلی و صنایع دستی مختص شهر چابهار فروخته می‌شد و قیمت‌های مناسب تری نسبت به منطقه آزاد چابهار داشت. همکاران خرید مختصری را از این بازار داشتند و به سمت محل اقامت برگشتند.

شب را با صرف شام در رستوران دربار دهلی، با غذاهای تند پاکستانی و هندی به نام کراهی مرغ و بریانی کشمیری گذراندیم و روز بعد حدود ساعت ۹ از محل اقامت به سمت شهرستان کنارک حرکت کردیم و در بندر «پزم» سوار بر لنج بزرگ ماهیگیری سفر دریایی بسیار خوبی را تجربه کردیم.

پس از ناهار از مسیر روستای زیبای تیس که قلعه پرتقالی‌ها و مسجد زیبای تیس در آن دیده می‌شود گذشتیم و به چابهار برگشتیم.

روز آخر نیز برنامه دیدار از بازار محلی و منطقه آزاد چابهار را داشتیم و روز چهارم روز بازگشت سفر بود. این سفر چند روزه پر بار بود که نه تنها خستگی و زحمت‌های ایام کار را از تن مان در آورد بلکه سبب ایجاد روحیه و شادابی و انگیزه بیشتر بهورزان نیز شد. علاوه بر جاذبه‌های محیطی شهر چابهار آشنا شدن با سایر همکاران، کسب تجربه از پیشکسوتان و الگوبرداری‌های کاری را نیز باید به خوبی‌های این اردو اضافه کرد.

خوشحالم که این فرصت برای من به وجود آمد و امیدوارم این فرصت‌ها برای سایر دوستان بهورزان نیز به وجود آید.